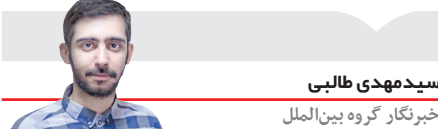




اعزام ۳ هزار نیروی آمریکایی به خلیج فارس می‌تواند ناتوانی آمریکا در غرب آسیا را جبران کند؟

نوشدارو پس از مرگ سهراب



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

رسانه‌های آمریکایی در هفته‌های گذشته از اعزام نیرو به خلیج فارس برای آنچه «مقابله با ایران» می‌خوانند، خبر داده‌اند. روز گذشته نساوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بیانیه‌ای تعداد این نیروها را سه هزار نفر عنوان کرد و نوشت: «ملوانان آمریکایی روز یکشنبه پس از عبور از کانال سوئز وارد دریای سرخ شدند.» براساس این بیانیه، کشتی‌های جنگی یواس اس باتان ویواس اس کارترهال قرار است وارد خلیج فارس شوند تا از آنچه «توقیف نفتکش‌ها از سوی ایران» می‌خوانند، جلوگیری کنند. ارتش آمریکا ادعا کرده ایران در دو سال گذشته نزدیک به ۲۰ کشتی با پرچم بین‌المللی را در منطقه با توقیف کرده یا تلاش داشته آنها را توقیف کند. یک مقام آمریکایی هفته گذشته به خبرگزاری فرانسه گفت که واشنگتن درحال آماده‌شدن برای اعزام تفنگدار به نفتکش‌های تجاری عبوری از خلیج فارس است، به این امید که ایران را از توقیف این کشتی‌ها باز دارد. آسوشیندپرس نیز در گزارشی به نقل از پنج مقام آمریکایی ناشناس این موضوع را تایید کرد اما نوشت که «تصمیم نهایی اتخاذ نشده و گفت‌وگوها بین مقام‌های نظامی آمریکا و متحدان عربی در منطقه و خلیج فارس ادامه دارد.» این خبر را پاتریک رابدر، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در نشست خبری روز یکشنبه خود نه تایید و نه تکذیب کرد. او در پاسخ به خبرنگار «الجزیره» درباره این گزارش گفت: «بله، این گزارش‌های مطبوعاتی را دیده‌ام. به شما می‌گویم که هیچ چیزی برای اعلام درباره تغییر وضعیت نیروها ندارم. بسیاری از تحلیلگران و رسانه‌های منطقه‌ای و غربی، اعزام نیرو به خلیج فارس را سرآغاز یک «تشدید تنش قابل توجه» بین ایران و آمریکا می‌دانند؛ تنش‌سی که می‌تواند به درگیری احتمالی نظامی نیز منجر شود.»

تعداد نظامیان آمریکایی در منطقه چه می‌گوید؟

اندیشکده موسوم به موسسه صلح ایالات متحده (USIP) نقشه‌ای منتشر کرده که طبق آن تخمین زده می‌شود ارتش آمریکا در ترکیه، عراق، سوریه، اردن، کویت، بحرین، قطر، عربستان، عمان و امارات متحده عربی ۴۱ هزار و ۸۰۰ نظامی آمریکا مستقر کرده است. این تعداد البته تعداد نظامیان رزمی است. به‌طور معمول به ازای هر نظامی رزمی آمریکا چند نظامی دیگری نیز برای امور پشتیبانی، حفاظت و همچنین نیروهای شرکتی در خدمت خود دارد. به‌عبارت دیگر حدود ۴۴ هزار و ۸۰۰ نظامی رزمی آمریکایی باید بیش از ۱۰۰ هزار نظامی دیگر را نیز در کنار خود داشته باشند. با این حساب تعداد کل نظامیان آمریکایی در منطقه به ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد. حتی با وجود تحرکات جدید، حضور نظامی ایالات‌متحده در خاورمیانه به‌مراتب کمتر از نیروهایی خواهد بود که در طول جنگ‌های عراق و افغانستان در منطقه مستقر شده بودند. براساس آمار، در آن دوران حدود ۳۰۰ هزار نیروی نظامی در اختیار ایالات‌متحده در منطقه بود. آمریکا با این حجم نیرو و استقرار دو نقطه اتکای بزرگ در دو طرف ایران یعنی افغانستان و عراق و همچنین توانایی پایین تر ایران نسبت به وضعیت کنونی، ناتوان از اقدام علیه تهران بود. امروزه بدون افغانستان و عراق و با یک ایران قدرتمندتر در شرایطی که در اوکراین جنگی بزرگی علیه غرب برپاست و چین نیز مترصد فرصتی در تایوان است، بعید است واشنگتن قادر به تحرک قابل توجهی باشد. به‌نظر می‌رسد بیش از آنکه محور پروپاگاندای رسانه‌های آمریکایی، تأثیرگذاری بر تهران به‌عنوان دشمن آمریکا باشد، یا هدف اثرگذاری بر متحدان منطقه‌ای ایالات‌متحده انجام پذیرفته باشد. برخلاف یک دهه پیش، متحدان سرسخت آمریکا همچون عربستان، با خروج این کشور از افغانستان چنین برداشت کرده‌اند که واشنگتن همچون سابق متعهد به تأمین امنیت متحدان خود در غرب آسیا نیست و از همین رو نیز آنان گام در مسیر توازن بخشیدن به سیاست خارجی خود و کاهش وابستگی به ایالات متحده گذاشتند. ایجاد ائتلاف‌های اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس با رقبای آمریکا، واشنگتن را بر آن داشته با تقویت حضورش در غرب آسیا، به متحدانش یادآوری کند که امنیت آنها را با قدرت پیگیری می‌کند. بر همین اساس بسیاری معتقدند مخاطب اصلی اعزام یوگان آمریکایی به خلیج فارس، بیش از دشمنان آمریکا، متحدان آن هستند.

توقیف در برابر توقیف

طراحی دولت بایدن اعمال فشار حداکثری علیه ایران بدون چنگ

و دندن نشان دادن‌های دولت ترامپ بود. توقیف نفتکش راهی برای اعمال تحریم‌های حداکثری ایالات‌متحده علیه ایران بوده است. فرض اینکه ایران در برابر این ماجراجویی‌های بلندپروازانه، سکوت اختیار کند و با دارا بودن قدرت نظامی و توانایی اعمال آن در منطقه هیچ واکنشی به سرفت نفتکش‌هایش نداشته باشد احقانه به‌نظر می‌رسد، اما مقامات آمریکایی بدون توجه به تبعات این اقدام، سرقت نفتکش‌های ایرانی را در دستور کار خود قرار دادند. ایران هم در مقابل توقیف محموله‌های نفتی کشورهای دیگر که در این زمینه با دولت بایدن همکاری می‌کردند را آغاز کرد تا نشان دهد در برابر این اقدام دست‌بسته نیست. کما اینکه ایران سال ۹۸ و در اوج لفاظی‌های دولت ترامپ و متحدانش، در واکنش به توقیف سوپر نفتکش گریس ۱ توسط تفنگداران بریتانیایی، یک نفتکش انگلیسی را در خلیج فارس توقیف کرد و از این طریق توانست نفتکشش را رفع توقیف کند. در همان زمان آمریکا و انگلستان با این ادعا که تردد کشتی‌ها در خلیج فارس با مشکل روبه‌رو شده قصد داشتند ائتلافی دریایی تشکیل دهند. آمریکا از ۶۰ کشور برای حضور در این ائتلاف دریایی دعوت به عمل آورد، اما بسیاری از کشورها از جمله آلمان و فرانسه اعلام کردند تمایلی برای حضور در این ائتلاف دریایی ندارند.

۴ سال پس از آن دوران، آمریکا می‌خواهد با حضور نظامی در خلیج فارس، از اقدامات ایران که تنها در نتیجه سیاست‌های دولت بایدن آغاز شده و به شکلی مقابله به مثل تلقی می‌شود، جلوگیری کند. از همین حالا نتیجه این تلاش‌ها مشخص است. اگر ایران بخواهد در برابر این توقیف‌ها، تماشاجی باشد، دیگر امکان صادرات یک قطره نفت را نیز نخواهد داشت. قاطعیت تهران در برابر این دزدی دریایی است که باعث شده هیچ شرکتی نخواهد کشتی حامل نفت ایران در نزدیکی تگراس را تخلیه کند. روز گذشته سردار سرتیپ پاسدار رمضان شریف، سخنگوی سپاه پاسداران صراحتاً عنوان کرد که با حضور تفنگداران دریایی آمریکا با‌هم به توقیف کشتی‌های تجاری ادامه خواهد داد. او گفت: «خدای بزرگ را شاکریم که ایران اسلامی به درجه‌ای از قدرت و توان رسیده که می‌تواند برابر هر اقدام و شیطنت آمریکایی‌ها مانند توقیف کشتی‌ها، مقابله به مثل کرده و کشتی‌های آن را توقیف کند.»

اعزام نیرو برای چه؟

مناسبات قدرت در جهان همچون یک یا دو دهه پیش نیست. با افول آمریکا، اروپا که مدت‌ها به واشنگتن تکیه داشت دچار ضربه شده و هم‌زمان نقطه ثقل قدرت و ثروت جهان از غرب درحال انتقال به شرق آسیا است. از سوی دیگر «قدرت» نسبت به دو قرن اخیر متکثرتر شده و دیگر خبری از تسلط جهانی امپراتوری‌هایی مانند انگلیس، شوروی و آمریکا نیست. در دنیای امروز هژمون به لحاظ عملی قادر به اعمال هژمونی به‌صورت مستقیم در دیگر مناطق نیست و تنها آن را به‌طور کامل در منطقه حضور خود اعمال می‌کند؛ مساله‌ای که با کمی اغماض درباره ابرقدرت‌ها نیز صدق می‌کند. در چنین

شرایطی هژمون یا حتی ابرقدرت‌ها پس از ایجاد هیمنه مستقیم بر کشورهای حاضر در منطقه خود، به شکل غیرمستقیم تلاش خواهند کرد از ظهور رقیبا در دیگر مناطق جلوگیری کنند. به عبارتی دیگر وظیفه یک هژمون جلوگیری از ظهور رقیبا در مناطق دیگر است تا بتواند هژمونی خود را به شکل غیرمستقیم بر جهان نیز اعمال کند. در این وضعیت قدرت‌های منطقه‌ای اعمال بروز خواهند داشت. محل اصلی نزاع واشنگتن برای اعمال هژمونی خود، اروپا و آفریقا نیست. تنها نقطه‌ای که این هژمونی به شکل بی‌رحمانه‌ای به مخاطره کشیده شده، غرب آسیاست. سوال اینجاست که آیا در غرب آسیا هژمون توانسته از ظهور سایر رقبای جلوگیری کند؟ پاسخ واضح است. ایران، روسیه و چین یک به یک در حال بسط نفوذ خود در منطقه هستند و در کلام و عمل این را به نمایش گذاشته‌اند. در هفته‌های اخیر منابع غربی گزارش داده‌اند که جنگنده‌های روسی آزار و اذیت هواییماهای آمریکایی بر فراز سوریه را تشدید کرده‌اند. مقامات آمریکایی گفته‌اند که به‌نظر می‌رسد تلاش مسکو برای تحت فشار قرار دادن آمریکا برای عقب‌نشینی از منطقه است. مقامات آمریکایی می‌گویند ایرانی‌ها در این هدف با روسیه مشترک هستند. حتی خوشبینانه‌ترین مقامات نظامی هم باور نمی‌کنند آمریکا بتواند با اعزام حداکثر ۳ هزار نیرو مانع از تغییرات منطقه‌ای شود.

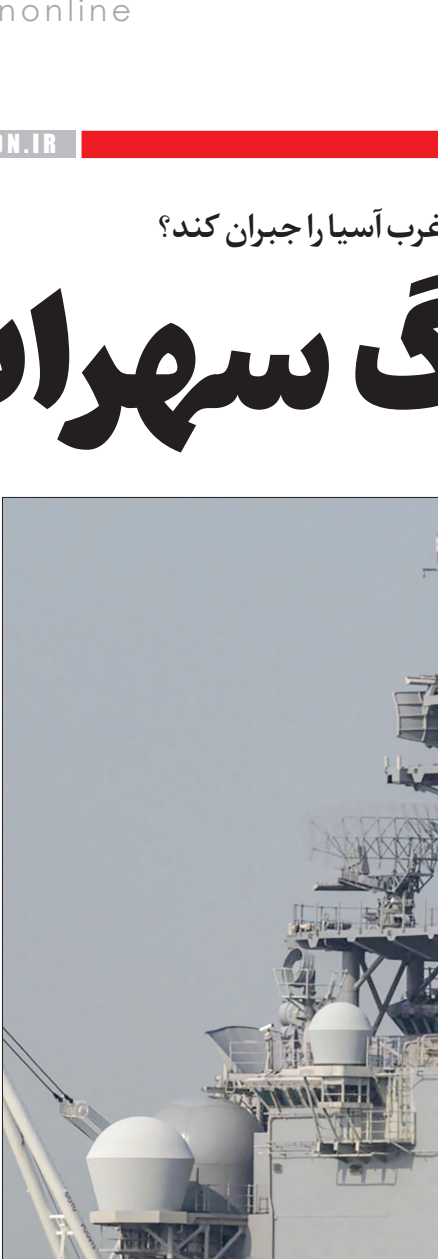
چالش بزرگ‌تر از خلیج فارس است

ماجراجویی جدید آمریکا در خلیج فارس را نمی‌توان فارغ از سایر اتفاقات رخ داده در غرب آسیا تحلیل کرد. در هفته‌های اخیر اخبار زیادی درخصوص برخورد هوایی آمریکا و روسیه در سوریه و همچنین صفارآبی زمینی از سوی این دو کشور منتشر شده است. این تحول، اقدامی کم‌سابقه است. روسیه پس از ورود به درگیری‌های سوریه تا مدت‌ها از تقابل مستقیم با آمریکا خودداری می‌کرد اما امروزه به نظر می‌رسد این رویکرد را به‌طور کامل کنار گذاشته است. روس‌ها پیش‌تر در یک نوبت در ماه ژوئن ۲۰۲۲ پس از هشداری زودهنگام به آمریکا، پایگاه التنف را بمباران کرده بودند. این پایگاه محل استقرار مشترک نیروهای آمریکایی و تروریست‌های عضو گروه مقاویر الثوره است. با این وجود، مسکو از اقدام بیشتری برای تقابل با واشنگتن در خاک سوریه، خودداری کرد. به نظر می‌رسد بازیگران عمده حاضر در شرق سوریه که به ایران، روسیه و آمریکا منحصر می‌شوند، درحال آماده شدن برای تشدید تنش‌ها هستند.

اهداف ایران:

تلاش برای استقلال استراتژیک

ایران در شرایط کنونی دو مسیر پیش روی خود دارد؛ تقویت بازآزادنگی هسته‌ای و یکسره کردن حضور نظامی تهدیددزای قدرت‌های خارجی در منطقه برای کسب مراحل عالی استقلال استراتژیک یا توقف در سطح پایین‌تری از



استقلال استراتژیک و قرار گرفتن در مسیر کاهش تنش. تهران با پی‌گیری برنامه هسته‌ای در قالب غنی‌سازی صنعتی ۶۰ درصد و امتحان غنی‌سازی ۸۴ درصدی در کنار توسعه مداوم موتورهای سوخت جامدی که می‌توانند برای ساخت موشک‌های بالستیک قاره‌پیما تا برد ۸ هزار کیلومتر و بیشتر مورد استفاده قرار گیرند، نشان داده همچنان در مسیر استقلال استراتژیک گام بر می‌دارد؛ چه اینکه ایران در همین راستا درپی اخراج نظامی آمریکا از منطقه است. ایران امیدوار است مقصد استقلال استراتژیکش همانند چین باشد؛ کشوری که پس از اثبات توانمندی‌ها و ارزش‌های خود، ناگزیر خود را به سیستم بین‌المللی تحمیل کرده و قدرت‌های جهانی را مجبور ساخت ضمن اخراج تایوان از سازمان ملل، کرسی دائم شورای امنیت و حق و تو آن را در اختیار یک‌ن قرار دهند. با این وجود برخی نسبت به کره‌شمالی شدن هشدار می‌دهند. علی‌رغم این مقایسه، ایران هرچند به اندازه چین دارای ظرفیت‌هایی مانند منابع و جمعیت انبوه نیست اما با کره‌شمالی نیز قابل مقایسه نیست. از این‌رو تهران با پی‌گیری استقلال استراتژیک به دلیل موقعیت جغرافیایی، ایجاد محور مقاومت و رهبری آن، منابع معدنی و انرژی فراوان، نه‌ایشتا خود را همانند چین- نه هم اندازه این کشور- به نظام بین‌الملل تحمیل خواهد کرد.

اگر راه پی‌گیری استقلال استراتژیک، اخراج آمریکا از منطقه باشد، سوریه یکی از مهم‌ترین مناطق است زیرا تهران با ایجاد کریدور تهران- مدیترانه گامی بزرگ در تحمیل موقعیت خود به بازیگران مهم بین‌المللی و منطقه‌ای برمی‌دارد.

آغاز استفاده عملیاتی از کریدور تهران-مدیترانه
تهران تلاش دارد هرچه سریع‌تر آزادی عمل وسیعی در کریدور تهران- مدیترانه بیابد. با تأمین امنیت این کریدور، تدارکات، تسلیحات و نفرات به سرعت میان ایران و شامات قابل انتقال خواهند بود. این امر به‌ویژه برای رژیم هراس‌انگیز است. اگر در جریان یکی از جنگ‌های رژیم و غزه، گروه‌های مقاومت بدون آنکه مبادرت به جنگ کنند، صرفاً با انتقال چند ده هزار نیرو از عراق به نزدیکی مرزهای سوریه و فلسطین اشغالی واکنش نشان دهند، وضعیت رژیم چگونه خواهد بود؟ از سوی دیگر ایران تلاش دارد از این مسیر سوخت، کالا و مواد معدنی به اروپا و آفریقا صادر کند. تهران می‌داند اگر بتواند کالاهای خود را به‌سهولت به مدیترانه منتقل کند، آنگاه تحریم‌های حقوقی و مالی آمریکا علیه این کشور را حترت قابل نقض خواهد بود.

اهداف روسیه:

آغاز بهره‌برداری از منابع و منافع بازسازی سوریه
روسیه با حضور در سوریه پس از دهه‌ها بار دیگر وجهه‌ای جهانی یافت. روس‌ها هنوز و در سخت‌ترین شرایط درحال بهره‌برداری از منافع این حضور هستند. مسکو به



دلیل حضور در سوریه موفق شد قدرت و توان خود را به کشورهای عربی منطقه و حتی ترکیه تحمیل کند. احترامی که سران ترکیه و اعراب امروز برای پوتین قائل هستند، تا پیش از این به هیچ‌عنوان قائل نبودند. به همین خاطر است که امروزه عربستان در قالب اوپک‌پلاس با روسیه دست به همکاری زده تا قیمت نفت همچنان بالاتر از سطح انتظار غرب باقی بماند. بر همین مناست که امروز ترکیه و امارات بزرگ‌ترین دورزندگان تحریم‌های روسیه بوده و ده‌ها هزار تاجر روس را که از اروپا اخراج شده‌اند، پذیرا گشته‌اند.

گسترش جنگ علیه ناتو به تلافی جنگ اوکراین

اگر آمریکا موفق شد روسیه را در کنار مرزهایش به جنگی پرتلفات کشانده و حیثیت آن را تضعیف کند، روسیه نیز می‌تواند واشنگتن را در سوریه به سمت یک درگیری گرم سوق دهد. در این صورت آمریکا در مرحله نخست تلفاتی را متحمل شده و اگر بخواهد بازی را ادامه دهد، تلفات بالائری را متحمل خواهد شد. اگر هم خروج را برگزیند این یک پذیرش آشکار شکست خواهد بود.

اهداف آمریکا:

تلاش برای مهار رقیبا

آمریکا در شرق سوریه مستقر شده تا ایران قادر به بهره‌برداری از کریدور تهران-مدیترانه نباشد. با این اقدام ابزار فشاری قدرتمند علیه ایران در دستان آمریکا باقی مانده و تهران همچنان در بن‌بست قرار خواهد داشت.

نشان دادن تعهدش به منطقه

متحدان آمریکا در منطقه از جمله عربستان و امارات نسبت به تعهد واشنگتن به غرب آسیا تردید دارند. از این‌رو ریاض و ابوظبلی تلاش‌هایی برای برقراری روابط سطح بالا با یک‌ن برداشته‌اند به گونه‌ای که گفته می‌شود امارات به چین اجازه داده تا سیستمی با قابلیت کاربرد نظامی در آینده، در بنادر این کشور بسازد.

جلوگیری از اقدام علیه آمریکا

آمریکا در هراس است که در منطقه علیهش تحرکی صورت گیرد. واشنگتن به‌ویژه به همکاری مشترک ایران و روسیه در سوریه مظنون است و معتقد است این دو کشور درصدد اخراج آمریکا از منطقه هستند و قصد دارد این اقدام را از سوریه کلید بزنند. از این‌رو واشنگتن به دنبال نشان دادن چنگ و دندان اش است.

وضعیت دشوار رژیم

اشغال عراق توسط آمریکا باعث شد رژیم صهیونیستی که در سال ۲۰۰۰ با شکستی سنگین از جنوب لبنان گریخته بود، درپی بازگشت به جایگاه پیشین خود باشد. آنها حضور آمریکا در عراق را اسیری در برابر دسترسی ایران به سوریه و از آن طریق به لبنان می‌دانستند. بر همین اساس صهیونیست‌ها تلاش کردند به جنوب لبنان یورش برند. رژیم در آن موقعیت مناسب که تلقی می‌شد پیروزی در دستانش قرار دارد، شکست خورد. با این وجود آمریکا همچنان درحال ایفای نقش سپر حفاظتی برای رژیم در منطقه است، اما این بار نه برای احیای جایگاه از دست‌رفته، بلکه برای زنده ماندن.

تشدید فشار در سالگرد اغتشاشات ۱۴۰۱

گفته می‌شد در جلساتی که اخیراً مقامات آمریکایی با صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی داشته‌اند، تصمیمات بر شکستن اقتدار ایران متمرکز شده است به‌گونه‌ای که ژنرال‌های آمریکایی خواستار ترور دانشمندان هسته‌ای ایران برای به چالش کشیده شدن حیثیت تهران شده‌اند. واشنگتن با وجود مسدود شدن نسبی مسیرهای داخلی برای آتش افروزی در محیط سرزمینی ایران، قصد دارد برای زنده نگه داشتن آتش این اغتشاشات، از محیط خارجی و ابزارهای نظامی و اطلاعاتی نیز بهره‌برد.

نام‌سازی مسیر خزر-خلیج فارس

در شرایطی که روسیه با غرب درگیر شده است، عملاً زنجیره محاصره علیه روس‌ها نیز سنگین‌تر گشته است. مسیر روسیه، خزر، ایران، خلیج فارس یک مسیر ذاتی و غیرآمریکایی برای روسیه جهت اتصال به بازارهای جهانی است. دیگر مسیرها نیز هرچند همچنان گشوده‌اند اما به دلیل تسلط متحدان آمریکا، نمی‌توان به آنها اطمینان داشت. از این‌رو یکی از اهداف آمریکا می‌تواند ایجاد هراس علیه روسیه باشد.

مودی با رای عدم اعتماد روبه‌روست

به دلیل سکوت نخست‌وزیر هند در قبال مساله درگیری‌ها در ایالت مانیپور واقع در شمال شرق این کشور، وی احتمالاً با رای عدم اعتماد روبه‌رو شود. سه ماه است که نازندرا مودی، بایت بدترین خشونت قومی در این ایالت دورافتاده که حزب خودش در آن در رأس قدرت قرار دارد، سکوت اختیار کرده است. سکوت نخست‌وزیر هند به این مساله باعث شده تا طرح رای عدم اعتماد علیه وی در پارلمان و در جایی که دولتش اکثریت را در اختیار دارد، مطرح شود. اپوزیسیون می‌داند که به سختی می‌تواند فرصتی برای پیروزی در رای عدم اعتماد داشته باشد. اما آنها این مساله را نیز مطرح می‌کنند که این طرح به این معناست که مودی باید در پارلمان حاضر شود و به سوالات پاسخ دهد. درگیری‌های قومی در مانیپور بیش از ۱۵۰ کشته و ۵۰ هزار بی‌خانمان به دنبال داشته است.

روسیه و قطر درصدد معامله با ارزهای ملی

سفیر مسکو در دوحه ضمن اشاره به موضع قاطع قطر در نپیوستن به تحریم‌های غرب علیه روسیه، گفت که روابط دوجانبه با وجود فشارهای خارجی، توسعه می‌یابد و دو کشور در حال همکاری برای اجرای معاملات با ارزهای ملی هستند. به گزارش فارس، «دیمیتری دوگادکین» به «اسپوتنیک» گفت: «روسیه و قطر در حال همکاری برای معامله با ارزهای ملی در تسویه حساب‌های مالی هستند. قطر بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در اقتصاد روسیه است و سازمان سرمایه‌گذاری قطر در حال افزایش سرمایه در شرکت‌های روسی پیشرو است.» وی ضمن اشاره به افزایش روزافزون تعداد گردشگران از مبدأ روسیه به مقصد قطر به دلیل حذف روادید، توضیح داد: «صادرات مواد غذایی روسیه به قطر در سال ۲۰۲۲ نیز بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته است.» سفیر روسیه گفت مذاکرات با قطر در چهارچوب «روِس کاسموس» اولین در نوع خود با این کشور است.



آمریکا قصد اقدام نظامی در سوریه را دارد

منابع امنیتی عراقی از ستون نظامی حامل ادوات و تجهیزات نظامی آمریکایی خبر دادند که از عین الاسد به گذرگاه الولید رسیده است. به گزارش مهر به نقل از المعلومه، این منبع اعلام کرد: ستون نظامی آمریکایی حامل تجهیزات نظامی از پایگاه هوایی عین‌الاسد در ناحیه البغدادی در منطقه هیات در غرب الانبار وارد گذرگاه الولید شده است. این منبع بیان کرد: اطلاعات رسیده حاکی است که آمریکایی‌ها قصد عملیات نظامی در مناطقی در عمق سوریه دارند که هنوز زوایای آن معلوم نیست. منبع مذکور تأکید کرد: این کاروان نظامی آمریکایی تا رسیدن به پایگاه مورد نظر در داخل سوریه، مورد پشتیبانی هوایی قرار می‌گیرد. این منبع اعلام کرد: شرکت‌های امنیتی آمریکایی مأموریت رساندن این تجهیزات را دارند و انتقال نظامیان آمریکایی از پایگاه عین‌الاسد به مناطق تحت کنترل نیروهای آمریکایی در سوریه، به شکل هوایی انجام می‌شود.